

مشکاة در اصل به معنی روزنه و محل کوچکی است که در دیوار ایجاد می‌کردند و چراغهای معمول قدیم را برای محفوظ ماندن از مزاحمت باد و طوفان در آن می‌نهادند، و گاه از داخل اطاق طاقچه کوچکی درست می‌کردند و طرفی را که در بیرون اطاق و مشرف به حیاط منزل بود با شیشه‌ای می‌پوشاندند، تا هم داخل اطاق روشن شود و هم صحن حیاط، و در ضمن از باد و طوفان نیز مصون بماند، و نیز به محفظه‌های شیشه‌ای که به صورت مکعب مستطیلی می‌ساختند و دری داشت و در بالای آن روزنه‌ای برای خروج هوا، و چراغ را در آن می‌نهادند گفته شده است. کوتاه سخن این‌که: مشکاة محفظه‌ای برای چراغ در مقابل حمله باد و طوفان بود، و از آنجا که غالباً در دیوار ایجاد می‌شد نور چراغ را نیز متمرکز ساخته و منعکس می‌نمود.

«زجاجه» یعنی شیشه، و در اصل به سنگهای شفاف می‌گویند، و از آنجا که شیشه نیز از مواد سنگی ساخته می‌شود و شفاف است به آن «زجاجه»

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۷۷

گفته شده.

و در اینجا به معنی حبابی است که روی چراغ می‌گذاشتند تا هم شعله را محافظت کند و هم گردش هوا را، از طرف پائین به بالا، تنظیم کرده، بر نور و روشنائی شعله بیفزاید.

«مصباح» به معنی خود «چراغ» است که معمولاً با فتیله و یک ماده روغنی قابل اشتعال افروخته می‌شده است.

جمله یوقد من شجرة مباركة زيتونة لا شرقية و لا غربية اشاره به ماده انرژی‌زای فوق العاده مستعد برای این چراغ است، چرا که «روغن زیتون» که از درخت پربار و پر برکتی گرفته شود یکی از بهترین روغن‌ها برای اشتعال است آنهم درختی که تمام جوانب آن به طور مساوی در معرض تابش نور آفتاب باشد، نه در جانب شرق باغ و کنار دیواری قرار گرفته باشد و نه در جانب غرب که تنها یک سمت آن آفتاب ببیند، و در نتیجه میوه آن نیمی رسیده و نیمی نارس و روغن آن ناصاف گردد.

و با این توضیح به اینجا می‌رسیم که برای استفاده از نور کامل چنین چراغی بادرخشش و تابش بیشتر نیاز به چهار عامل داریم:
چراغدانی که آن را از هر سو محافظت کند بی آنکه از نورش بکاهد، بلکه نور آن را متمرکزتر سازد.

و حسابی که گردش هوا را بر گرد شعله تنظیم کند، اما آن قدر شفاف باشد که به هیچوجه مانع تابش نور نگردد.

و چراغی که مرکز پیدایش نور بر فتیله آن است.
و بالاخره ماده انرژی‌زای صاف و خالص و زلالی که آن قدر آماده اشتعال باشد که گوئی بدون تماس با شعله آتش می‌خواهد شعله‌ور گردد.
اینها همه از یکسو، در حقیقت بیانگر جسم و ظاهرشان است.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۷۸

از سوی دیگر مفسران بزرگ اسلامی در اینکه محتوای این تشبیه چیست و به اصطلاح «مشبه» کدام نور الهی است تفسیرهای گوناگونی دارند:
بعضی گفته‌اند منظور همان نور هدایتی است که خداوند در دل‌های مؤمنان برافروخته، و به تعبیر دیگر منظور ایمان است که در سراچه قلوب مؤمنان جایگزین شده است.

بعضی دیگر آن را به معنی قرآن که در درون قلب آدمی نورافکن می‌گردد دانسته‌اند.

بعضی دیگر تشبیه را اشاره به شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم).
و بعضی اشاره به دلائل توحید و عدل پروردگار.

و بعضی به روح اطاعت و تقوا که مایه هر خیر و سعادت است تفسیر کرده‌اند.
در واقع تمام مصادیقی که برای نور معنوی در قرآن و روایات اسلامی آمده در اینجا به عنوان تفسیر ذکر شده است، و روح همه آنها در واقع یک چیز است و آن همان نور هدایت است که از قرآن و وحی و وجود پیامبران سرچشمه می‌گیرید، و با دلائل توحید آبیاری می‌شود، و نتیجه آن تسلیم در برابر فرمان خدا و تقوا است.

توضیح اینکه: نور ایمان که در قلب مؤمنان است دارای همان چهار عاملی است که در یک چراغ پر فروغ موجود است:

«مصباح» همان شعله‌های ایمان است که در قلب مؤمن آشکار می‌گردد

وفروغ هدایت از آن منتشر می‌شود.
«زجاجه» و حباب قلب مؤمن است که ایمان را در وجودش تنظیم می‌کند.
و «مشکاة» سینه مؤمن و یا به تعبیر دیگر مجموعه شخصیت و آگاهی و
علوم و افکار او است که ایمان وی را از گزند طوفان حوادث مصون می‌دارد.
و شجره مبارکه زیتونه همان وحی الهی است که عصاره آن در نهایت صفا

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹

و پاکی می‌باشد و ایمان مؤمنان به وسیله آن شعله‌ور و پر بار می‌گردد.
در حقیقت این نور خدا است همان نوری است که آسمانها و زمین را
روشن ساخته و از کانون قلب مؤمنان سر بر آورده و تمام وجود و هستی آنها را
روشن و نورانی می‌کند.
دلائلی را که از عقل و خرد دریافته‌اند با نور وحی آمیخته می‌شود و مصداق
نور علی نور می‌گردد.
و هم در اینجا است که دل‌های آماده و مستعد به این نور الهی هدایت می‌شوند
و مضمون یهدی الله لنوره من یشاء در مورد آنان پیاده می‌گردد.
بنابراین برای حفظ این نور الهی (نور هدایت و ایمان) مجموعه‌ای از معارف
و آگاهی‌ها و خودسازیه‌ها و اخلاق لازم است که همچون مشکاتی این مصباح
را حفظ کند.
و نیز قلب مستعد و آماده‌ای می‌خواهد که همچون زجاجه برنامه آن را
تنظیم نماید.
و امدادی از ناحیه وحی لازم دارد که همچون شجره مبارکه زیتونه به آن
انرژی بخشد.
و این نور وحی باید از آلودگی به گرایشهای مادی و انحرافی شرقی و غربی
که موجب پوسیدگی و کدورت آن می‌شود بر کنار باشد.
آنچنان صاف و زلال و خالی از هر گونه التقاط و انحراف که بدون نیاز به هیچ
چیز دیگر تمام نیروهای وجود انسان را بسیج کند، و مصداق «یکاد زیتها
یضیء و لولم تمسسه نار» گردد.
هر گونه تفسیر به رای و پیشداوریهای نادرست و سلیقه‌های شخصی
و عقیده‌های تحمیلی و تمایل به چپ و راست و هر گونه خرافات که محصول
این شجره مبارکه را آلوده کند از فروغ این چراغ می‌کاهد و گاه آن را

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸۰

این است مثالی که خداوند در این آیه برای نور خود بیان کرده و او از همه چیز آگاه است.

از آنچه در بالا گفتیم این نکته روشن می شود که اگر در روایات ائمه معصومین (علیهم السلام) که در تفسیر این آیه رسیده است مشکاة گاهی به قلب پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و «مصبح» نور علم، و «زجاجة» وصی او علی (علیه السلام) و «شجره مبارکه» به ابراهیم خلیل که ریشه این خاندان از او است، و جمله «لا شرقیه و لا غربیه» به نفی گرایشهای یهود و نصارا تفسیر شده است، در حقیقت چهره دیگری از همان نور هدایت و ایمان، و بیان مصداق روشنی از آن است، نه اینکه منحصر به همین مصداق باشد.

و نیز اگر بعضی از مفسران این نور الهی را به قرآن یا دلائل عقلی یا شخص پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) تفسیر کرده اند آن نیز ریشه مشترکی با تفسیر فوق دارد.

تا به اینجا ویژگیها و مشخصات این نور الهی، نور هدایت و ایمان را در لابلای تشبیه به یک چراغ پر فروغ مشاهده کردیم، اکنون باید دید این چراغ پر نور در کجا است؟ و محل آن چگونه است؟ تا همه آنچه در این زمینه لازم بوده است با ذکر این محل روشن گردد.

لذا در آیه بعد می فرماید: «این مشکاة در خانه هائی قرار دارد که خداوند اذن فرموده که دیوارهای آن را بالا برند و مرتفع سازند» (تا از دستبرد دشمنان و شیاطین و هوسبازان در امان باشد) (فی بیوت اذن الله ان ترفع). «خانه هائی که ذکر نام خدا در آن شود» (و آیات قرآن و حقائق وحی را در آن بخوانند) (و یذكر فیها اسمه).

بسیاری از مفسران آیه فوق را همانگونه که در بالا تفسیر کرده ایم مربوط

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸۱

به آیه قبل دانسته اند ولی بعضی آن را مرتبط به جمله بعد می دانند که چندان صحیح به نظر نمی رسد.

اما اینکه بعضی گفته‌اند وجود این چراغ پر فروغ در خانه‌هایی که ویژگی‌هایش در این آیه بیان شده چه اثری دارد پاسخ روشن است زیرا خانه‌ای با این مشخصات که دیوارهای آن برافراشته شده و مردانی مصمم و بیدار و هشیار در آن به پاسداری مشغولند ضامن حفاظت این چراغ پر فروغ است بعلاوه آنها که در جستجوی چنین منبع نور و روشنائی هستند از محل آن با خبر می‌شوند و به دنبال آن می‌شتابند.

اما اینکه منظور از این «بیوت» (خانه‌ها) چیست؟ پاسخ آن از ویژگی‌هایی که در ذیل آیه برای آن ذکر شده است روشن می‌شود، آنجا که می‌گوید: «در این خانه‌ها هر صبح و شام تسبیح خدا می‌گویند» (یسبح له فیها بالغدو و الاصال)

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸۲

«مردانی که نه تجارت آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات بازمی‌دارد و نه خرید و فروش» (رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکاة).

«آنها از روزی می‌ترسند که دلها و دیده‌ها در آن دگرگون و زیر و رو می‌شود» (یخافون یوما تتقلب فیہ القلوب و الابصار).

این ویژگی‌ها نشان می‌دهد که این بیوت همان مراکزی است که: به فرمان پروردگار استحکام یافته و مرکز یاد خدا است و حقائق اسلام و احکام خدا از آن نشر می‌یابد، و در این معنی وسیع و گسترده، مساجد، خانه‌های انبیاء و اولیا، مخصوصا خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و خانه علی (علیه السلام) جمع است.

و اینکه بعضی از مفسران آن را منحصر به مساجد و یا بیوت انبیاء و مانند آن تفسیر کرده‌اند دلیلی بر این انحصار نیست، و اگر مشاهده می‌کنیم در بعضی از روایات مانند روایتی که از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «هی بیوت الانبیاء و بیت علی منها»: «این آیه اشاره به خانه پیامبران است و خانه علی نیز از این زمره محسوب می‌شود».

یا در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌خوانیم که به هنگام تلاوت این آیه از آن حضرت پرسیدند منظور چه بیوتی است؟ فرمود «بیوت الانبیاء» است ابوبکر پرسید این خانه (اشاره به خانه فاطمه و علی

کرد) نیز از آن جمله است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «نعم من افاضلها»؛ «آری این از برترین آنها است».

همه اینها اشاره به مصداقهای روشن است، زیرا می‌دانیم معمول روایات این است که به هنگام تفسیر، مصادیق روشن را بیان می‌کند.

آری هر کانونی که به فرمان خدا بر پا شده، و نام خدا در آن برده می‌شود، و هر

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸۳

صبح و شام مردان با ایمانی که زندگی مادی آنها را به خود مشغول و از یاد خدا غافل نمی‌کند به تسبیح و تقدیس در آن مشغولند، چنین خانه‌هایی مرکز مشکات انوار الهی و ایمان و هدایت است.

در واقع این خانه‌ها چند ویژگی دارد:

نخست اینکه به فرمان خدا بنیاد شده.

دیگر اینکه پایه‌ها و دیوارهایش آنچنان محکم و مرتفع است که آن را از نفوذ شیاطین حفظ می‌کند.

و دیگر اینکه مرکز یاد خدا است.

و سرانجام اینکه مردانی از آن پاسداری می‌کنند که صبح و شام به تسبیح خدا مشغولند، و جاذبه‌های دنیای فریبنده آنها را از حق غافل نمی‌سازد.

این خانه‌ها با این ویژگیها سرچشمه هدایت و ایمان است.

ذکر این نکته نیز لازم است که در این آیه هم «تجارت» آمده است و هم «بیع» با اینکه به نظر می‌رسد هر دو یک معنی داشته باشد، ولی ممکن است تفاوت این دو از این نظر باشد که تجارت اشاره به یک کار مستمر و مداوم است، ولی بیع برای یک مرحله و به صورت گذرا است.

توجه به این امر نیز ضروری است که نمی‌فرماید آنها مردانی هستند که به سوی تجارت و بیع نمی‌روند بلکه می‌گویند تجارت و بیع آنها را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند.

آنها پیوسته از روز قیامت و دادگاه عدل پروردگار که از شدت وحشت دلها و چشمها در آن دگرگون می‌شود بیمناکند (توجه داشته باشید جمله «یخافون» به مقتضای اینکه فعل مضارع است دلالت بر استمرار خوف و ترس آنها از قیامت دارد خوف و ترسی که آنان را به انجام مسئولیتها و رسالتها وادار می‌کند).

در آخرین آیه مورد بحث به پاداش بزرگ این پاسداران نور هدایت و عاشقان حق و حقیقت اشاره کرده، چنین می‌گوید: «این بخاطر آن است که خداوند آنها را به بهترین اعمالی که انجام داده‌اند پاداش دهد و از فضلش بر پاداش آنها بیفزاید» (لیجزیهم الله احسن ما عملوا و یزیدهم من فضله). و این جای تعجب نیست، زیرا فیض خداوند برای آنها که شایسته فیض اویندمحدود نیست و خداوند هر کس را بخواهد بی حساب روزی می‌دهد و از مواهب بی‌انتهای خویش بهره‌مند می‌سازد» (و الله یرزق من یشاء بغیر حساب).

در اینکه منظور از «احسن ما عملوا» در این آیه چیست؟ بعضی گفته‌اند اشاره به همه اعمال نیک است اعم از واجبات و مستحبات، کوچک و بزرگ. بعضی دیگر معتقدند که اشاره به این است که خداوند کار خیر را ده برابر و گاه هفتصد برابر یا بیشتر، پاداش می‌دهد، چنانکه در آیه ۱۶۰ انعام می‌خوانیم: من جاء بالحسنة فله عشر امثالها: «کسی که کار نیک کند ده برابر پاداش می‌گیرد» و در آیه ۲۶۱ سوره بقره در مورد انفاق کنندگان پاداشی معادل هفتصد برابر و یا مضاعف آن ذکر شده است. این احتمال نیز در تفسیر جمله فوق وجود دارد که منظور این است خداوند تمام اعمال آنها را بر معیار و مقیاس بهترین اعمالشان پاداش می‌دهد، حتی اعمال کم اهمیت و متوسطشان همردیف بهترین اعمالشان در پاداش خواهد بود!

و این از فضل خداوند دور نیست، چرا که در مقام عدالت و مجازات برابری ضروری است، اما هنگامی که به مقام فضل و کرم می‌رسد مواهب و بخششها بی حساب است، چرا که ذات پاکش نامحدود است، و «نعمتش نامتناهی کرمش بی پایان».

نکته‌ها:

نکات این آیات را از آنجا که با تفسیر آیات آمیخته بود در لابلای آن بیان

کردیم اما چند بخش از روایات باقی مانده است که ذکر آنها برای تکمیل

این بحث تفسیر لازم است:

۱ - در کتاب «روضة کافی» از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم که در تفسیر آیه نور فرمود: ان المشكاة قلب محمد (صلی الله علیه و آله و سلم)، و المصباح النور الذی فیہ العلم، و الزجاجة قلب علی او نفسه: «مشکات قلب محمد است، و مصباح همان نور علم و هدایت، و زجاجة اشاره به علی (علیه السلام) یا قلب او است که بعد از رحلت پیامبر این مصباح در آن قرار گرفت».

۲ - در حدیث دیگری که در «توحید صدوق» آمده است چنین می خوانیم: امام باقر (علیه السلام) فرمود: ان المشكاة نور العلم فی صدر النبی (صلی الله علیه و آله و سلم) و الزجاجة صدر علی... و نور علی نور امام مؤید بنور العلم و الحکمة فی اثر الامام من آل محمد، و ذلک من لدن آدم الی ان تقوم الساعة، فهو لاء الاوصیاء الذین جعلهم الله عز و جل خلفاء فی ارضه و حججه علی خلقه، لا تخلوا الارض فی کل عصر من واحد منهم: «مشکات» نور علم در سینه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و «زجاجة» سینه علی (علیه السلام) است، و «نور علی نور» امامانی از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند که یکی بعد از دیگری می آیند و با نور علم و حکمت مؤیدند، و این رشته از آغاز خلقت آدم تا پایان جهان ادامه داشته و دارد، اینها همان اوصیائی هستند که خداوند آنان را خلفای در زمین قرار داده، و حجت خویش بر بندگان، و در هیچ عصر و زمانی صفحه روی زمین از آنها خالی نبوده است و نخواهد بود».

۳ - در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) «مشکات» به فاطمه (علیه السلام) و «مصباح» به حسن (علیه السلام) و «زجاجة» به حسین تفسیر شده است.

البته همان گونه که قبلا هم اشاره کردیم آیات مفهوم وسیعی دارد که هر یک از روایات فوق بیان مصداق روشنی از آن است. بی آنکه از عمومیت آیه

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸۶

صرف نظر شود و به این ترتیب هیچگونه تضادی در روایات نیست.

۴ - در حدیثی از امام باقر (علیه السلام) می خوانیم که با «قتاده» فقیه معروف اهل بصره گفتگوئی داشت، و در ضمن از حضور در مجلس امام

(علیه السلام) وابهت خاص آنحضرت که سراسر قلب او را فرا گرفته بود اظهار شگفتی کرد، امام به او فرمود: آیا می دانی کجا نشسته ای؟ در برابر همانها که خدا درباره آنها گفته: فی بیوت اذن الله ان ترفع و یذكر فیها اسمه یسبح له فیها بالغدو والاصال رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و ایتاء الزکوة.

سپس فرمود: فانت ثم و نحن اولئک: تو آن هستی که گفتی (فقیه اهل بصره) و ما این هستیم که قرآن می گوید!

قتاده در جواب گفت: صدقت و الله، جعلنی الله فداک، و الله ما هی بیوت حجارة ولا طین: «راست گفتی فدایت گردم، به خدا سوگند منظور خانه های سنگی و گلی نیست» (منظور خانه های وحی و ایمان و هدایت است).

۵ - در حدیث دیگری نقل شده که درباره این گروه از مردان الهی که پاسدار وحی و هدایتند فرمود: هم التجار الذین لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله، اذا دخل مواقیت الصلوة ادوا الی الله حقه فیها: «آنها تاجرانی هستند که تجارت و بیع آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد، هنگامی که وقت نماز داخل می شود حق آن را اداء می کنند».

اشاره به اینکه آنها در عین فعالیت های سازنده و مثبت اقتصادی تمام فعالیت های شان تحت الشعاع نام خدا است، و چیزی را بر آن مقدم نمی شمردند.

تفسیر نمونه جلد ۱۴ صفحه ۴۸۷

۶ - درخت زیتون چنانکه در آیات فوق خواندیم به عنوان شجره مبارکه (درخت پر برکت) توصیف شده است. و اگر در آن روز که قرآن نازل شد اهمیت این تعبیر بر همگان روشن نبود امروز برای ما واضح و آشکار است، چرا که دانشمندان بزرگی که سالیان دراز از عمر خود را در راه مطالعه خواص گوناگون گیاهان صرف کرده اند به ما می گویند از این درخت با برکت محصولی به دست می آید که از مفیدترین و پرارزشتترین روغن ها است و نقش مؤثری در سلامت بدن دارد.

ابن عباس می گوید این درخت تمام اجزایش مفید و سودمند است حتی در خاکستر آن نیز فائده و منفعتی است، و اولین درختی است که بعد از طوفان

نوح(علیه السلام) روئید و پیامبران در حق آن دعا کرده اند که درخت پر برکتی باشد.

۷ - مفسران بزرگ در تفسیر جمله نور علی نور تعبیرات گوناگونی دارند: مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید: اشاره به پیامبرانی است که یکی بعد از دیگری از یک نسل و یک ریشه به وجود می آیند و راه هدایت را تداوم می بخشند.

فخر رازی در تفسیر خود می گوید: اشاره به اجتماع اشعه نور و تراکم آنها است آنچنان که درباره مؤمن وارد شده: «مؤمن در میان چهار حالت قرار دارد: اگر موهبتی به او برسد خدا را شکر می گوید، و اگر مصیبتی رسد صابر و با استقامت است، اگر سخن بگوید راست می گوید، و اگر دآوری کند عدالت را می جوید، او در میان توده های مردم ناآگاه همچون انسان زنده ای در میان مردگان است، او در میان پنج نور در حرکت است سخنش نور، عملش نور، محل ورودش نور، محل خروجش نور، و هدفش نور خدا در روز قیامت است.

این احتمال نیز وجود دارد که نور اول که در آیه آمده است اشاره به نور

